

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

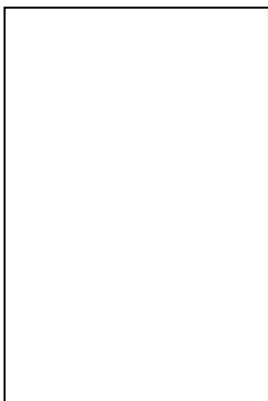
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره دوم - تابستان ۱۳۸۸

صص ۱۹۵ - ۱۹۱

## معرفی و نقد کتاب

محمد رضا اقارب پرست<sup>۱</sup>



جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و وابستگی متقابل اقتصادی<sup>۲</sup>  
گردآوری: فیلیپو دی مارو - استفان دیس - وارویک مک‌کیبین

### مقدمه

شدت گرفتن روند جهانی‌شدن در قرن بیست‌ویکم و تمایل به منطقه‌گرایی در بسیاری از نقاط جهان، ذهن بسیاری از اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای را به خود مشغول کرده است. اتحادیه اروپا به عنوان بزرگترین نمونه منطقه‌گرایی مطرح است، اما این نمونه موفق منطقه‌گرایی، خود با مشکلاتی در حوزه آزادی تجارت و روند حمایت‌گرایی روبه‌روست. در حال حاضر بیش از ۳۰۰ نمونه از ترتیبات

---

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

2. Filippo di Mauro, Stephane Dees and Warwick J. McKibbin, Globalisation, Regionalism and Economic Interdependence, New York: Cambridge University Press, 2008, 167 ps.

تجاری منطقه‌ای وجود دارد که پیمانهای تجارت آزاد (FTAs)، اتحادیه‌های گمرکی، و بازارهای مشترک را در بر می‌گیرد.

با در نظر گرفتن ابعاد وسیع جهانی‌شدن و مصادیق متعدد منطقه‌گرایی پرسش‌هایی ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است: آیا جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی دو روی یک سکه‌اند یا منطقه‌گرایی روندی است که جهانی‌شدن را به چالش می‌کشد؟ سازوکار اقتصاد بین‌الملل چه ارتباطی با روند جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی دارد؟ منطق حاکم بر روابط بازیگران فعال در یک نظم منطقه‌ای با سایر بازیگران عرصه بین‌الملل چیست؟

این موضوعات، محور اصلی بحث در کتابی است که بررسی و نقد آن در ادامه ارائه خواهد شد.

### معرفی اجمالی اثر

کتاب *جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و وابستگی متقابل اقتصادی* در واقع مجموعه‌ای است در ۶ فصل که نویسندگان متفاوت نوشته و در نهایت گردآوری کرده‌اند. این مجموعه را انتشارات دانشگاه کمبریج در ۱۶۷ صفحه چاپ کرده است.

**فصل اول** با عنوان «ارتباط جهانی در بستر ادغام‌های جهانی و منطقه‌ای» که گردآورندگان کتاب نگاشته‌اند سعی شده تا دیدگاهی هماهنگ و منسجم از جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی ترسیم شود و فهم این دو مقوله برای خوانندگان آسان گردد و در عین حال بستر مناسبی برای درک فصول دیگر کتاب مهیا شود. در بخش نخست فصل اول به بررسی محورهای روند جهانی‌شدن، مصادیق متفاوتی از ادغام‌های منطقه‌ای و منطق جهانی‌شدن تولید پرداخته شده است. در بخش دوم فصل اول، به این بحث می‌پردازد که جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی سبب شده که اقتصادهای داخلی نسبت به تحولات جهانی و منطقه‌ای بسیار حساس شوند از این‌رو انطباق و هماهنگی در ابعاد مختلف این اقتصادها به‌ویژه در بعد تخصیص ثروت، شامل توزیع درآمد و رفاه اقتصادی، ضروری است (ص ۱۸).

**فصل دوم**، سوم و چهارم بر موضوعات تأثیر جهانی‌شدن منطقه‌گرایی بر ادغام تجارت، جابه‌جایی محصولات و عملکرد شرکتهای فراملیتی متمرکز شده است.

**فصل دوم** با عنوان «ادغام تجارت در کشورهای شرق اروپا و آسیا: آیا ظرفیت‌های بالقوه بارور شده است؟» در این فصل به ارزیابی ادغام اقتصاد کشورهای شرق و مرکز اروپا<sup>۱</sup> و چین در اقتصاد جهانی پرداخته است. نویسندگان بر اساس «مدل گرانش»<sup>۲</sup> استدلال می‌کنند که با در نظر گرفتن شدت و عمق ارتباطات اقتصادی بین بازیگران فقط کشورهای صنعتی هستند که نسبت مبادلات خارجی آنها از حد متوسط بیشتر است و در این بین چین با تأکید بر دو مؤلفه حجم صادرات و پوشش جغرافیایی به سرعت در حال ادغام شدن در اقتصاد جهانی است (ص ۳۶).

**فصل سوم** با عنوان «الگوها و شاخص‌های تولید در تجارت جهانی» به بررسی تفکیک و تمایز الگوی تولید در مناطق مختلف جهان و تأثیر آن بر اقتصاد جهانی پرداخته است. در این بین اقتصاد جنوب شرق آسیا که شاهد وابستگی متقابل اقتصادی شدید بین کشورهای این منطقه است به سرعت به سمت تخصصی‌تر شدن الگوهای تولید پیش می‌رود و این با نمونه‌های اروپایی و آمریکایی متفاوت است. با وجود این نویسندگان بر این باورند که انشقاق تولید در مناطق مختلف جهان مثلاً جنوب شرق آسیا به هیچ عنوان سبب کاسته شدن از وابستگی این اقتصادهای منطقه‌ای به اقتصاد جهانی نخواهد شد. برعکس این اقصادها به منظور بهینه‌سازی و تکمیل تولید خود هرچه بیشتر به اقتصاد جهانی پیوند خواهند خورد.

**فصل چهارم** با عنوان «به سمت جهانی‌شدن: تجارت، بین‌المللی شدن تولید، و بهره‌وری شرکتها در عصر جهانی‌شدن» تلاش می‌کند تا ارتباط دو مقوله حیاتی کارایی شرکت (که به محصولات ارتباط می‌یابد) و میزان مشارکت بین‌المللی آن (صادرکننده، غیرصادرکننده، بهره‌مند از سرمایه‌گذاری خارجی، و غیره) را بررسی کند. بررسیها نشان می‌دهد که شرکتهایی که مشارکت بین‌المللی بیشتری دارند بزرگتر و پرسودترند. تأثیر جهانی‌شدن بر اقتصادهای داخلی مسأله مهمی است که فصل پنجم و ششم با بررسی اقتصاد اتحادیه اروپا و ایالات متحده بدان می‌پردازد.

**فصل پنجم** با عنوان «جهانی‌شدن و مجاری تجارت در عصر اتحادیه اروپا» تقابل نیروهای اقتصادی خارجی و داخلی را با بررسی مطالعه موردی اتحادیه اروپا به

---

1. CEEC

2. Gravity Model

تصویر می‌کشد. اوج تأثیرات تقاضای خارجی در مورد اتحادیه اروپا زمانی خود را نشان می‌دهد که این شوک تقاضا بر کالاهای تجاری داخلی یا خارجی اثر بگذارد.

**فصل ششم** با عنوان «سنجش تأثیر بازار کار بر آزادی تجارت: دستور کاری برای بخش تولید ایالات متحده آمریکا»، به دنبال آن است تا میزان تأثیرگذاری باز شدن نقل و انتقالات اقتصادی بر بازار کار را بسنجد. براساس یافته‌های مؤلفان، ایالات متحده آمریکا در رابطه با هماهنگ‌سازی آزادی اقتصادی، استفاده از نیروی کار داخلی و خارجی، و میزان دستمزدها با ضعف روبه‌رو است که این مشکلی جدی در اقتصاد آمریکا به حساب می‌آید. برعکس چین رقیب اقتصادی آمریکا در این مورد موفق عمل کرده است.

کتاب به‌طور کلی منکر وجود ارتباط جدی بین جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی است و بر این نکته تأکید می‌کند که منطقه‌گرایی نیز به مانند جهانی‌شدن سبب شده تا اقتصادهای داخلی بیش از پیش به محیط خارج پیوند بخورد. نتیجه جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی حساسیت بیشتر اقتصادهای داخلی به تغییرات محیط خارجی است که در نهایت انطباق اقتصادهای داخلی را به همراه خواهد داشت.

#### نقد

بی‌شک نفس انتخاب موضوع منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن و بررسی تأثیرات متقابل آن یکی از نقاط قوت این اثر است. اگرچه تا کنون در رابطه با ابعاد مختلف جهانی‌شدن کتابها و مقالات متعددی منتشر شده، اما کمتر از ارتباط این مقوله مهم با منطقه‌گرایی سخنی به میان آمده است.

نکته قابل توجه دیگری که از نقاط قوت این اثر به حساب می‌آید، این است که نویسندگان تقریباً در کلیه موارد مدعای خود را با آمار تقویت می‌کنند. استفاده از آمار و ارقام و نمودارهایی که به خوبی نشان‌دهنده مدعای مؤلفان است به فهم بهتر مخاطب نیز کمک می‌کند و این خود بر غنا و قوت اثر می‌افزاید.

پاسخگویی به انتظارات و پرسش‌های مخاطب اثر یکی از نقاط قوت کتاب است که در فصول مختلف به‌خوبی مد نظر قرار گرفته است. نحوه نگارش هر فصل به شکلی است که مخاطب با پرسش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود و در هر فصل

نویسندگان به صراحت به پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌پردازند و مخاطب به روشنی دیدگاه مؤلفان را در خصوص موضوعات مورد بررسی در می‌یابد.

نتیجه‌گیری صریح اثر در انکار وجود ارتباط بین جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی اگرچه در بدو امر مخاطب را با تردید روبه‌رو می‌سازد، اما ظرافت گردآوردگان کتاب در چینش فصول و پوشش موضوعات سبب می‌شود که مخاطب اثر با مطالعه کتاب با نویسندگان همداستان شود و تصور وجود رابطه بین جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی در نظر مخاطب رنگ ببازد.

اگرچه این کتاب به‌حق اثری ذی‌قیمت و شایسته تقدیر است، اما شاید بتوان پوشش ندادن برخی از موضوعات مهم در این زمینه را از نقاط ضعف آن برشمرد. بررسی زمینه‌های بروز منطقه‌گرایی و علل علاقه کشورهای به مشارکت در ترتیبات منطقه‌ای یکی از مهمترین مواردی است که در این اثر مغفول مانده است.

در نهایت باید اذعان داشت که نویسندگان به خوبی موفق به بسط دیدگاههای خود در این کتاب شده‌اند و از این جهت مطالعه این اثر برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل توصیه می‌شود.